

دزدِ موزووی و انسانِ فرهیخته

مجموعه داستانِ درهم‌گوریده

محسن پوررمضانی



www.ketab.ir

مجموعه داستان‌های
محمّد بهمن گوریده
مجموعه داستان‌های

سرسناسه: پوررمضانی، محسن، ۱۳۶۲
عنوان و نام پدیدآور: دزد موزوزی و انسان فرهیخته: مجموعه داستان درهم گوریده / محسن پوررمضانی
مشخصات نشر: تهران، نشر چشمه، ۱۳۹۸
مشخصات ظاهری: ۱۱۷ ص
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۱۰-۵۵۳-۴
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
عنوان دیگر: مجموعه داستان درهم گوریده
موضوع: داستان‌های کوتاه فارسی-- قرن ۱۴
موضوع: Short stories, Persian -- 20th century
رده‌بندی کنگره: PIR ۸۳۳۶
رده‌بندی دیوبی: ۸۴۳/۶۲
شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۵۸۷۱۱۰۲

دزد مووزوی و انسان فرهیخته
- مجموعه داستان درهم گوریده -
محسن پور رضائی

شارک ۰۰ - ۰۰ - ۹۷۸-۶۲۲-۰

تلفن بخش کتاب چشمه: ۷۷۷۸۸۵۰۲

فهرست

مقدمه / ۹

ناخن / ۱۳

نان و ماست / ۲۲

چینو / ۳۰

مادزد نیستیم / ۳۹

شادی / ۴۸

کاجای دوست داشتنی / ۵۷

بیر تنها / ۶۹

ماها / ۷۷

لذت‌های کوچک / ۸۴

غاز زخمی و پسر من / ۹۲

بستان / ۹۷

درد پستی کشیده‌ام که مپرس / ۱۰۴

مؤخره / ۱۱۶

مقدمه

هر وقت داستان یا رمانی خواندی که مقدمه دارد، بدان نویسنده نتوانسته داستان خوبی بنویسد و تلاش می‌کند با آوردن توضیحاتی در مقدمه، اثر معمولی‌اش را شاهکار جا بزند. این کتاب نیز از این قاعده مستثنی نیست.

به راحتی می‌توانید از قطر این کتاب - پس بزنید نویسنده می‌خواسته با نوشتن مقدمه، صفحه‌های کتابش را زیاد کند و آن را گران‌تر بفروشد. اگر کمی در مورد اسم نویسنده جست‌وجو کنید متوجه می‌شوید قبلاً کتاب فروش بوده و با قواعد این بازی کاملاً آشناست. هر چند سعی کرده روی جلد کتاب اسمش را چیز دیگری جا بزند تا کسی این ماجرا را نفهمد اما هوس مخاطب را دست‌کم گرفته است.

تویی که خواننده‌ی حرفه‌ای هستی نباید فریب این سیاه‌بازی‌ها را بخوری. سریع از قسمت مقدمه رد شو و برو سراغ یکی از داستان‌ها. نگران نباش، برای این کار با ناشر و همین کتاب‌فروشی‌ای که داری از آن خرید می‌کنی، هماهنگ کرده‌ایم. یک داستان کامل را مهمانِ انجمنِ ما هستی. پس با خیال راحت گوشه‌ی دنجی پیدا کن. جایی که با کتاب‌فروش چشم‌توچشم نشوی و راحت

بتوانی کتاب را ورق بزنی. فکر کنم پشتِ قفسه‌ی طنز جای خوبی باشد. کم‌تر کسی به آن جاسر می‌زند. اگر صندلی یا مبلِی دیدی رویش بنشین. نمی‌خواهد قبلش از کتاب‌فروش اجازه بگیرد. این طوری نشان می‌دهی که کتاب‌خوانِ کارگشته‌ای هستی و قواعد بازی را بلدی.

برای شروع بهتر است داستانِ اول را انتخاب نکنی. نویسنده‌های داستان کوتاه مثل میوه‌فروشی که سیب‌های سالمش را رومی‌چیند، بهترین داستان‌شان را می‌گذارند. اول از همه، بهترین کار این است که چشم‌ت را ببندی. دست را بکشی، روی صفحه‌های کتاب و به چیزهایی که دوست داری فکر کنی و هر جایی که این نویسنده‌ها کتاب را باز کنی. نگران نباش و با آرامش این کارها را انجام بده. موفقی چند نفری که توی کتاب‌فروشی هستند تو را ببینند و توی دل‌شان بگویند چیز زده‌ای. این‌ها همان کسانی هستند که کتاب‌ها را به پیشنهاد کتاب‌فروش می‌خرند، فقط این‌ها که به استادی، دوستی، کسی هدیه بدهند. این جماعت حتی زحمت خواندنِ پشت جلد کتاب را هم به خودشان نمی‌دهند. ولی تو می‌خواهی این کتاب را بخوانی. چند ساعتی را باهاش بگذرانی. می‌خواهی کتاب را بگذاری توی کیف‌ت و ببری یا با خودت ببری توی تخت و تا صبح کنار دستت باشد. پس اگر توزرد و به‌خاطر از آب درآمد چه؟ اگر فارتان به هم نخورد؟ اگر کتاب بددهن و بی‌ادبی بود؟ نه، شاید کتاب خوبی هم باشد اما برای هم ساخته نشده باشید. نمی‌شود که همین‌طور سراسری عمرت را برایش بگذاری.

پس تعارف و شرم شرقی را کنار بگذار. گولِ ظاهر و جلد خوش‌تپش را نخور. حتی اگر از خانواده‌ی نوبل و پولیتزر و بوکر هم بود، فریض را نخور و چشم‌پسته به‌اش اعتماد نکن. کتاب را باز کن. داستانی را که می‌آید تا انتها بخوان. خوب مزه‌زه‌اش کن. بین زبانِ داستان خام نیست؟ شخصیت‌ها خوب پخته شده‌اند؟

شوخی هایش مزه دارد؟ اصلاً به دردِ حال و هوای این روزهایت می خورد؟ اگر داستان با ذائقه ات جور نبود کتاب را ببندد. با احتیاط بگذار سر جایش و برو سراغ کتاب دیگر. آن قدر این کار را تکرار کن تا کتاب قابل اعتمادی پیدا کنی که بتوانی به تخت خوابت راهش دهی.

اگر موقع مزه مزه کردن کتاب ها، کتاب فروش گیر داد که داری چه کار می کنی، خونسردیت را حفظ کن. همین مقدمه را نشانش بده و بگو «من یکی از آن های انجمن هستم.»

دبیر انجمن حمایت از حقوق خوانندگان در حال انقراض،

م. پ. رمضانی